



برخلاف دیدگاه‌ساده‌انگارانه‌ای که توسعه‌چین را صرفاً نتیجه کنار گذاشتن انقلاب مانو و نزدیکی بی‌قیدوشرط به آمریکا می‌داند، واقعیت تصویر پیچیده‌تری از استراتژی چین ارائه می‌دهد. یکن‌پیش از تنش‌زدایی، پای‌های‌قدرت‌سخت‌خود را‌استوار کرده‌بود؛ در دوران مانو به‌سلاح‌هسته‌ای‌دمت‌یافتو‌و مذاکرات‌دیپلماتیک را‌نیز با حفظ استقلال خود‌پیش می‌برد. دیپلماسی پیینگ‌پنگ و دیدار‌های پنهانی بعدی با مقامات آمریکایی نه‌از موضع ضعیف بلکه از جایگاه یک‌قدرت‌نوظهور صورت گرفت. جان‌سپینان مانو با هوشمندی از این پایه‌قدرت استفاده کردند تا فضای تنفس اقتصادی ایجاد کنند، بدون اینکه هویت سیاسی یا اقتدار نظامی‌شان را‌فدا نمایند. امروز نیز چین قدرت سسخت خود را مدام ارتقا می‌دهد و بر افق بلندمدت آماده رقابت تمدنی با ایالات متحده است. این رویکرد نشان می‌دهد توسعه‌یادپار چین نه‌محصول تسلیم بلکه نتیجه ترکیب هوشمندانه قدرت سخت با فرصت‌های اقتصادی است.

موقعیتی که چین را از متفقین جدا کرد

پیش از انقلاب کمونیستی چین یعنی در دوره جمهوری علی‌رغم حمایت‌های محدود آمریکا، این کشور با چالش‌های متعددی همراه بود. ورود سرمایه و فناوری از غرب و ژاپن باعث پیشرفت در بخش‌هایی مانند حمل‌ونقل و سیستم بانکی شد؛ اما این پیشرفت‌ها به قیمت تضعیف بخش‌های سنتی اقتصاد چین به‌ویژه کشاورزی تمام شد. بی‌ثباتی سیاسی مداوم همراه با جنگ‌های داخلی طولانی از سال ۱۹۲۷ تا ۱۹۴۹ و درگیری‌های خارجی با ژاپن – که نمونه بارز آن کشتار گسترده غیرنظامیان چینی در سال ۱۹۳۷ بود – شرایط را برای مردم غیرقابل تحمل کرد. این ناآکارآمدی‌ها زمینه را برای تقویت نیروهای انقلابی فراهم آورد. ارتش آزادی‌بخش خلق که ریشه در قیام‌های اولیه دهه ۱۹۲۰ داشت و ابتدا با نامی مرتبط با کارگران و دهقانان شناخته می‌شد به تدریج قدرت گرفت. مبارزات این نیرو‌ها از سال ۱۹۴۶ شدت یافت و در نهایت در سال ۱۹۴۹ به پیروزی رسید و حکومت جمهوری خلق چین را تأسیس کرد. مانو تسه‌تو‌نگ به‌عنوان رهبر اصلی این انقلاب تا سال ۱۹۷۶ در رأس قدرت باقی ماند و سیاست‌های بنیادینی را در کشور اجرا کرد.

چالش‌های دوران رهبری مانو

پیروزی کمونیست‌ها ضرر به‌ای سنگین به موقعیت استراتژیک آمریکا در آسیا وارد کرد. مانو با اتکا به برنامه‌ریزی مرکزی توانست تورم را کنترل کند و با کمک‌های شوروی، صنایع پرا را احیا و اقتصاد را از رکود بیرون بیاورد. برنامه پنج‌ساله نخست او در اوایل دهه ۱۹۵۰ بار شد قابل توجهی همراه بود و این موقعیت مانو را به طراحی برنامه‌ای جاه‌طلبانه‌تر ترغیب کرد که تمرکز آن بر صنایع سنگین و جمع‌گرایی سریع در کشاورزی بود. با این حال برنامه دوم با ناکامی مواجه شد و بحران‌های شدیدی مانند قحطی گسترده ایجاد کرد. تلاش‌هایی برای اصلاح مسیر توسط رهبران میانه‌رو صورت گرفت؛ اما مانو با رانداندازی انقلاب فرهنگی در اواسط دهه ۱۹۶۰، مخالفان داخلی را سرکوب کرد و کشور را به دوره‌ای از ناآرامی کشاند. یکی از مهم‌ترین تحولات استراتژیک این دوران ایجاد فاصله میان چین و شوروی بود. از همان ابتدا، مانو تمایلی به تبعیت کامل از خطوط ایدئولوژیک مسکو نداشت و شوروی نیز به‌یکن حمایت‌های محدودی ارائه می‌کرد زیرا نگران ظهور یک رقیب قدرتمند کمونیستی با جمعیت عظیم بود. به‌رحال اختلافات علنی شد تا چین به بازیگری مستقل اما منزوی در صحنه بین‌المللی تبدیل شود. یکن حتی در مواردی مانند درگیری مرزی با هند موضعی تهاجمی گرفت و شوروی را به سازش کاری با غرب متهم کرد. در نتیجه چین در نگاه دو قدرت اصلی جهان به‌عنوان عاملی اختلال‌آفرین دیده می‌شد. در داخل کشور نیز ناراضیانی‌ها افزایش یافته بود و شاخص‌های اقتصادی نشان‌دهنده عقب‌ماندگی شدید نسبت به جهان پیشرفته بودند.

شیائوپینگ یک چین مقتدر را به نظام بین‌الملل تحمیل کرد

روایت فیک از چین ممنوع

مقایسه رشد اقتصادی قبل وبعد از سال ۱۹۷۶ حاکی از آن است که جهش واقعی چین پس از تغییرات اساسی در سیاست‌ها رخ داد. در اواخر دهه ۱۹۷۰، چین همچنان کشوری عمدتاً کشاورزی با فناوری عقب‌مانده نظامی بود. این وضعیت رهبران را به این نتیجه رساند که بدون بهبود معیشت مردم، مشروعیت سیاسی حفظ نخواهد شد. بنابراین، پس از مرگ مانو، جریان تجدیدنظر نظری در حزب کمونیست قدرت را به دست گرفت و مسیر جدیدی را آغاز کرد.

چین ضمن حفظ استقلال سیاسی به نظم جهانی پیوست

تحولات اقتصادی چین از اواخر دهه ۱۹۷۰ به بعد یکی از چشمگیرترین پدیده‌های تاریخ معاصر است. جایی که دولت با عزمی قوی به دنبال تقویت همه‌جانبه قدرت ملی از طریق ابتکار اقتصادی و هدایت متمرکز است. مدل توسعه چین ویزگی‌های متمایزی از مدل‌های تجویزی غربی دارد. دولتی قدرتمند که در اقتصاد دخالت می‌کند، دموکراسی غربی را نمی‌پذیرد و تغییرات تدریجی به جای تحولات ناگهانی را در دستور کار قرار می‌دهد. چینی‌ها حرکت آرام از اقتصاد کاملاً برنام‌ریزی‌شده به سمت مکانیسم‌های بازار، خصوصی‌سازی محدود و کنترل‌شده پیش رفتند. پیوستن به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱ پس از بیش از دوده‌دهه اصلاحات داخلی نشان‌دهنده رویکرد محتاطانه بود. آن‌ها زمانی به نظم جهانی پیوستند که مطمئن بودند این گام به نفعشان خواهد بود. این مدل بر پایه استقلال سیاسی بنا شد. چین از تقلید مستقیم الگوهای غربی پرهیز کرد و سیستم تک‌حزبی را حفظ نمود. روشنفکران چینی با نگاهی ناسیونالیستی، بر منحصربه‌فرد بودن مسیر خود تأکید داشتند و نسبت به نفوذ رویه سرمایه خارجی هشدار می‌دادند. موفقیت اقتصادی چین نتیجه انتخاب‌گرزینی سیاست‌ها، ادغام بازار با کنترل سیاسی، حفظ هویت مستقل و مدیریت آرام تحولات بوده نه تسلیم در برابر قدرت‌های خارجی.

تنش‌زدایی دیپلماتیک بدون چشم‌پوشی از اصول بنیادین

یکی از تصورات نادرست این است که چین برای شروع مسیر توسعه، از مواضع ایدئولوژیک و سیاسی خود عقب‌نشینی کرده و به آمریکا نزدیک‌شد. بهبود روابط با سفر مخفیانه هنری کیسینجر در سال ۱۹۷۱ آغاز شد؛ اما این نزدیکی بر پایه پذیرش شروط چین صورت گرفت. به رسمیت شناختن دولت پکن، پذیرش تایوان به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر چین، قطع روابط با دولت تایوان و عدم دخالت در امور داخلی نشان می‌داد چن توانسته است مطالبات خود را در برابر آمریکا نقد کند و در مذاکرات از موضع ضعیف وارد نشده‌است. دیپلماسی پیینگ‌پنگ که با تعاملات دوستانه و روزشکاران در سال ۱۹۷۱ آغاز شد و به گفت‌وگو مقامات عالی منتهی شد زمینه را برای مذاکرات جدی فراهم کرد. کیسینجر سفر مخفی خود را انجام داد و مقدمات بازدید نیکسون در سال ۱۹۷۲ را فراهم کرد. روابط رسمی دیپلماتیک اما تا سال ۱۹۷۹ و سفر دنگ شیائو پیینگ به آمریکا برقرار نشد. این فرایند نشان‌دهنده استراتژی حساب‌شده چین بود که استفاده از فرصت‌های دیپلماتیک برای خروج از انزوا را بدون کنار گذاشتن اصول خود دنبال می‌کرد.

پیینگ‌پنگ بهانه علنی‌سازی بود نه شروع عادی‌سازی

دیپلماسی پیینگ‌پنگی یکی از نقاط عطف تاریخ روابط آمریکا و چین است که در اوایل دهه ۱۹۷۰ رخ داد و زمینه‌ساز تنش‌زدایی و برقراری روابط دیپلماتیک بین دو کشور شد. در مسابقات جهانی تنیس روی میز در ناگو یا ژاپن، بازیکن آمریکایی گلن کاوان به طور اتفاقی سوار اتوبوس تیم چین شد. ژوانگ ژدونگ قهرمان چینی با او دوستانه صحبت کرد و به او هدیه‌ای داد. این عکس در رسانه‌ها منتشر شد و

توجه مانو را جلب کرد. چین تیم ملی پیینگ‌پنگ آمریکا را به بازدید از چین دعوت کرد و این دعوت در سال ۱۹۷۱ به حضور هیئتی آمریکایی در چین انجامید. ۹ بازیکن آمریکایی همراه با مسئولان و خبرنگاران به عنوان اولین گروه آمریکایی پس از ۱۹۴۹ وارد سرزمین اصلی چین شدند. آن‌ها مسابقات دوستانه برگزار کرده، از دیوار چین بازدید کردند و بانخست‌وزیر چین، دیدار داشتند. در مقابل، تیم چین در سال ۱۹۷۲ به آمریکا سفر کرد. رسانه‌ها این رویداد را «دیپلماسی پیینگ‌پنگ» نامیدند. دیپلماسی پیینگ‌پنگ سیگنال عمومی برای مذاکرات جدی بود؛ اما کانال‌های مخفی از قبل فعال بودند. پس از موفقیت بازدید پیینگ‌پنگی، هنری کیسینجر، مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور ریچارد نیکسون، در ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۱ سفری مخفیانه به پکن انجام داد. این سفر با کد «مارکو پولو» شناخته می‌شد و حتی از وزارت خارجه آمریکا پنهان بود. کیسینجر در پاکستان و نامود کرد بیمار است و سخنپانه به چین رفت.

در دیدار با جئون لای، نخست‌وزیر چین شرایط عادی‌سازی روابط از جمله مسئله تایوان بحث شد. کیسینجر پس از بازگشت، تاگرافی با کلمه «یافتن» فرستاد که نشان‌دهنده موفقیت او بود. چند روز بعد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا نیز اعلام کرد که به چین سفر خواهد کرد. چند ماه بعد در فوریه ۱۹۷۲ نیکسون به چین سفر کرد و با مانو ژدونگ و جئون لای دیدار داشت. این رویدادها منجر به تنش‌زدایی شد و در ۱۹۷۹ روابط دیپلماتیک کامل برقرار گردید. این ماجرا نه تنها تصادفی نبود، بلکه بخشی از استراتژی حساب‌شده هر دو طرف بود که ماجرای پیینگ‌پنگ صرفاً پنهانه‌ای برای علنی‌سازی آن فراهم کرد.

تقویت قدرت نظامی در کنار رشد اقتصادی

تصور دیگری که نادرست است، این است که چین در مسیر اصلاحات، قدرت نظامی خود را قربانی کرد. در واقع کاهش تعداد نیروها از بیش از چهار میلیون به حدود سه میلیون با هدف صرفه‌جویی همراه بود؛ اما هم‌زمان کیفیت و فناوری نظامی ارتقا یافت. در دوران مانو هزینه‌های نظامی ناکارآمد بالا بود؛ اما در دوره اصلاحات، این هزینه‌ها هوشمندانه مدیریت شد و کیفیت قدرت سخت افزایش یافت بدون اینکه به تنش‌های غیرضروری منجر شود. آزمایش موشک‌های بالستیک قاره‌پیما، موشک‌های زیر دریایی و پیشرفت در نیروی دریایی همه در این دوره رخ داد. چین از پیوستن به پیمان‌های محدودکننده سلاح‌های هسته‌ای خودداری کرد تا دشمن باز بماند. دنگ شیائو پیینگ پس از کشاورزی، صنعت و علم، دفاع را در اولویت آخر قرار داد؛ اما این به معنای غفلت نبود، بلکه تمرکز بر رشد اقتصادی برای تأمین پایه‌های قدرت نظامی پایدار بود.

کپی نابرابر با اصل چین

مسیر رشد و توسعه چین به طور واضح رویکردی گزینشی در مواجهه با غرب را ترسیم می‌کند. رویکردی که باعث شد یکن بتواند ضمن حفظ استقلال و تأمین منافع ملی از فرصت همکاری با کشور‌های غربی نیز بهره‌برد. برخی اما در داخل ایران با روایتی تقطیع‌شده از مدل سیاست خارجی چین الگویی از لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی از چین تراشیده و مسیر توسعه اقتصادی ایران را نیز در همکاری گسترده با غرب دنبال می‌کنند. چنین اما اثبات کرده که برای مواجهه با غرب باید ابتدا استقلال و تأمین حاکم‌تری منافع، اصل قرار گیرد در غیر این صورت اولوا اجازه‌رشد علمی و اقتصادی داده نمی‌شود و یا اگر هم فضایی برای رشد اقتصادی باز شود، این رشد هیچ زمان پایدار نبوده و سقفی بلندتر از راهبردهای تدوین‌شده در کاخ سفید نخواهد داشت. دولت‌های غربی نیز به این جهت از در تقابل حاکم‌تری با چین وارد نمی‌شوند که می‌دانند این کشور مؤلفه‌های قدرت خود را در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، دفاعی و اقتصادی گسترش داده و نمی‌توان به مثابه یک کشور ناتوان با او مواجه‌شد.

نقدی بر ایدهٔ ۵ مرحله‌ای ظریف

پیشنهادهی برای جهان موازی



محمدجواد ظریف، وزیر اسبق امور خارجه اخیرا با انتشار متنی در یک رسانه آمریکایی، طرحی ۵ ماده‌ای برای حل و فصل اختلافات، متمرکز بر بحران هسته‌ای پیشنهاد داده است. ظریف در این متن ابراز امیدواری کرده است که «اگر تهران و واشنگتن بتوانند نسخه به‌روزشده‌ای از برجام را اجرا کنند، شاید قادر شوند موضوعات دشوار دیگر مانند امنیت منطقه‌ای، کنترل تسلیحات و مبارزه با تروریسم را نیز مدیریت کنند». آنچه وزیر خارجه سابق تحت عنوان لیست پیشنهادی ارائه کرده، دارای شکاف‌های بزرگی با واقعیت بوده و به نظر می‌رسد هدفش بیش از حل منازعه، همانند گذشته برخی اهداف سیاسی خاص و شخصی است.

نکات

درباره طرح ۵ ماده‌ای ظریف و مسائل مرتبط با آن نکاتی وجود دارند که در ادامه مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

۱. **پیشنهاد سیاست خارجی با نیت داخلی-حزبی**
پیشنهادهایی حاوی مباحثی در خصوص سیاست داخلی اند که هم‌زمان باستخان حسن روحانی رئیس‌جمهور دولت‌های یازدهم و دوازدهم ارائه شده‌اند؛ از این رو نه بر مبنای دغدغه‌ای ملی و صادقانه بلکه بر اساس منافع حزبی و عده‌ای خاص نوشته شده است. مواضع روحانی که به دنبال احیای موقعیت سیاسی پیشین خود در کشور است، طی روزهای گذشته با انتقادات زیادی روبه‌رو شدند.

۲. **سیاست خارجی روحانی-ظریف در دولت یازدهم و دوازدهم چرا شکست خورد؟**

روحانی-ظریف سعی دارند تأکید کنند سیاست‌های آنان مانع از ورود کشور به درگیری شد و پس از دوره مسئولیت‌شان به دلیل تغییر دولت و گردش سیاست‌ها، جنگ ۱۲ روزه به وقوع پیوست. این تیم سعی دارد خود را «بلد مذاکره» معرفی کند. این ادعا دارای اشکالات بسیاری است؛ نخست آنکه توافق برجام پس از دوسال مذاکره به شکلی قابل انتقاد منقد شد و آمریکا در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما اجرای تعهدش را معطل گذاشت و در دوره دونالد ترامپ از آن خارج شد. روحانی و ظریف در دوره حضور جوابیند در کاخ سفید نیز به دلیل خودداری واشنگتن در احیای برجام شکست خوردند. همچنین در این دوره جنگ دریایی میان آمریکا-رژیم صهیونیستی با ایران درگرفت و در خلال تنش‌های منطقه‌ای، سردار قاسم سلیمانی فرمانده وقت سپاه قدس به عنوان مقام رسمی کشور توسط ارتش آمریکا در عراق ترور شد. ترور سردار سلیمانی اولین ترور آشکار و علنی مقام رسمی یک کشور توسط دولتی دیگر بود و منجر به نخستین حمله ایران به یک پایگاه آمریکایی شد. ادعاهای اعضای دولت های یازدهم و دوازدهم در باره موفقیت رویکردهای مذاکراتی شان غیر واقعی و غیر قابل قبول هستند؛ چه اینکه جنگ نیز در دوره مسئولیت دولتی رخ داد که مورد حمایت این تیم بود.

۳. **اولویت ایران- رژیم صهیونیستی موشکی؛ پیشنهاد ظریف هسته‌ای**
ظریف در سست در بحبوحه تحولات طرف مقابل درباره اولویت مذاکراتی، مذاکراتی بر مبنای روندهای قبلی داده است. آمریکا و رژیم صهیونیستی پس از جنگ ۱۲ روزه و موفقیت حملات موشکی حداقلی ایران به سرزمین های اشغالی بر روی پرونده موشکی تمرکز کرده اند. طی این جنگ پایگاه‌های اصلی موشکی ایران برای هدف قرار دادن رژیم صهیونیستی در غرب کشور از چرخه عملیاتی خارج شـدند و تهران که امکان استفاده از بخش مهم قوای موشکی خود را از دست داده بود با موشک‌های سوخت مایع که دقت کمتری دارند، جنگ را ادامه داد؛ صهیونیست‌ها که با ویرانی مناطق شهری و اتمام ذخایر موشک‌های رهگیر رو به‌رو شدند به‌زودی درخواست‌هایی برای ورود آمریکا به صحنه و حرکت به سمت آتش‌بس را مطرح کردند.

هدف‌گیری موثر شهر تل آویو به‌عنوان اصلی‌ترین مرکز تجمع جمعیت، نهادها و تاسیسات صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی به آنها نشان داد ایران قادر است بدون اتکا به قوای هسته‌ای و صرفا با توان موشکی خود اوضاع را در این سرزمین به سمت فروپاشی سوق دهد. آنها ادعا می‌کنند امروزه برنامه موشکی ایران بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین تهدید ضد رژیم صهیونیستی است زیرا به کارگیری تعداد انبوهی از موشک‌های بالستیک برای هدف قرار دادن فلسطین اشغالی، تفاوتی با استفاده از سلاح هسته‌ای ندارد و می‌تواند ویرانی مشابهی ایجاد کند. بر این اساس هم‌زمان با کم‌ضرب و یا خاموش بودن گفت‌وگوهای هسته‌ای، در ابتدا آمریکا پیشنهاد کاهش برد موشک‌های ایران به ۵۰۰ کیلومتر را مطرح کرد و با ناکامی در تحقق آن به همراه رژیم صهیونیستی به طرف تهدید نظامی برای اعمال فشار رفت.

۴. **دغدغه امنیتی سازی ایران در زمانه تغییر شرایط**

محمدجواد ظریف می‌گوید ایران باید خود را از نبد امنیتی‌سازی که طی آن به‌عنوان تهدیدی برای دیگران جازه می‌شود، رها شود. این پیشنهاد در دوره‌ای مطرح شده که شرایط تا حدودی تغییر کرده است؛ طی جنگ‌های سه سال گذشته نگاه منطقه به ایران و رژیم صهیونیستی دچار تحول شده به گونه‌ای که چندی قبل ترکی الفیصل، مسئول پیشین دستگاه اطلاعاتی عربستان سعودی اعلام کرد نه ایران بلکه این رژیم صهیونیستی است که به تهدیدی علیه منطقه تبدیل شده است.

۵. **پیشنهاد مبهم و بدون پشتوانه؛ تغییر روایت از «ایران قوی» به «منطقه قوی»**

ظریف می‌گوید روایت ایران باید از «ایران قوی» به «منطقه قوی» تغییر کند. این پیشنهاد دارای ابهامات زیادی است. این روایت چرا و دم چگونه باید تغییر کند؟ طبق این پیشنهاد دولت ایران باید اعلام کند تصمیم گرفته ایران را قوی نکند بلکه برای پایتخت‌ها و دولت‌های دیگری تصمیم بگیرد که آنها باید به سمت ازدیاد قدرت بروند؛ به‌عنوان مثال باید به قطر گفت به چه دلیل به جت‌های جنگنده غربی وابسته‌اید؟ و در ادامه برای این کشور تعین تکلیف کرد که بهتر است صدها جت جنگی دیگر از کشورهای شرقی خریداری کرده و هم‌زمان موشک بالستیک بسازد و نیم‌گانه‌ی نیز به بازاری‌دنگی هسته‌ای داشته باشد! آیا تعریف موجود در ایران در باره قوی شدن با تعریف دیگر دولت‌ها یسکان است؟

۶. **مبنای تحریم و فشار آمریکاست نه منطقه**

وزیر خارجه سابق معتقد است که تهدید وجودی ایران علیه کشورهای منطقه مبنای فشار و تحریم است. فارغ از آنکه ایران هیچ تهد تهدیدی وجودی برای کشورهای منطقه نبوده، امروزه دولت‌های عربی برای درامان‌ناندن از منازعه نظامی میان ایران و آمریکا خواهان توافق میان دو کشور هستند اما این واشنگتن است که حلقه فشار اقتصادی و نظامی را تنگ‌تر کرده است.

چهارشنبه ۳ دی ۱۴۰۴

9916

شماره ۴۵۹۰

9916

FARHIKHTEGANDAILY.COM

9916

FARHIKHTEGANONLINE

۷